

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۴ فبروری ۲۰۱۹

دور جدیدی از مصاحبه های بهرام رحمانی با محمود صالحی

(۱)

محمود صالحی از فعالین سرشناس جنبش کارگری و بنیانگذار چندین تشکل کارگری مستقل است از اینرو، وی تجارب ارزنده و تاریخی درباره جنبش کارگری و فعالین آن در چهار دهه گذشته دارد. محمود، همچنین بخشی از عمر خود را در زندانهای حکومت اسلامی گذرانده و با وجود تحمل شکنجههای زیاد، هرگز از موضع طبقاتی خود به عنوان یک فعال کارگری، کوتاه نیامده و به همین دلایل، نه تنها یک چهره آشنا و محبوب و خوشنامی برای جامعه ایران، بلکه برای تشکلهای کارگری جهان نیز آشناست.

وی هم اکنون با دو فرزند و شریک زندگی و همزمش نجیبه صالحزاده، در شهر سقز می کند. رفیق محمود صالحی، با انتشار نامه ای در حساب اینستاگرام خود به تاریخ بیستم دی ماه ۹۷، خطاب به «اسماعیل بخشی» نماینده کارگران شرکت هفت تپه و «سپیده قلیان» خبرنگار آزاد، که اخیراً به افشای شکنجه شان در شبکه های اجتماعی پرداخته اند، ضمن اشاره به فشارهای موجود بر کارگران طی این سالها، به مواردی از اعمال شکنجه و ضرب و جرح خود از سوی ماموران امنیتی اشاره می کند. در بخشی از این نامه آمده است:

«سخنی با اسماعیل بخشی و سپیده قلیان

سالهاست جنبش کارگری ایران جهت احقاق حق با نظام سرمایه داری و کارفرمایان مبارزه کرده و خواهد کرد. در این راه هزاران نفر از بهترین افراد خود را از دست داده و باز هم به مبارزه خود علیه نابرابری مستحکم به پیش حرکت کرده و خواهند کرد.

اهداف این مبارزه سرنوشتی جامعه نابرابر و طبقاتی موجود است و مستقر کردن جامعه ای که عاری از هر گونه ستم، استثمار و نابرابری باشد. در این راه کارفرمایان و دولت حامی آنان نیز به اشکال مختلف ما را تهدید، احضار، شکنجه، محاکمه، زندان و در بعضی موارد ما کارگران را اعدام کرده اند.

من خودم ۱۹ بار زندان رفتم و دهها بار مورد ضرب و جرح از سوی ماموران بازداشت کننده قرار گرفته ام، دنده هایم شکسته، لگم شکسته و آخرین بار کلیه هایم را در بازداشتگاه اداره اطلاعات سندج به دلیل این که داروهای مورد نیازم را قطع کردند، از دست دادم. سالهاست که مکالمات تلفنی خانوادگی ما و دوستانمان شنود می شود. یعنی ما به این اجحاف حق از سوی مسئولان امنیتی عادت کرده ایم...»

اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، اعلام کرده بودند که حاضرند تا از آنچه در طول مدت بازداشت بر آن‌ها گذشته در تلویزیون و یا «دادگاهی عادلانه» در خصوص شکنجه‌هایی که شده‌اند، شهادت بدهند. پس از انتشار خبر شکنجه سپیده و اسماعیل در شبکه‌های اجتماعی، این دو مجدداً دستگیر و زندانی شدند و کسی از وضعیت آن‌ها خبر ندارد. گفتگوهای قبلی‌ام با محمود در کتابی با ۲۱۵ صفحه، به‌نام «مجموعه گفتگوهای بهرام رحمانی با محمود صالحی، در رابطه با جنبش کارگران ایران»، در سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات ارزان منتشر شده و با استقبال فعالین سیاسی نیز مواجه شده است. همچنین قبل از آن نیز، کتابی به‌نام «من مرگ را سرودی کردم» در رابطه با افکار محمود صالحی و مبارزه و مقاومت وی در عرصه کار و زندگی و زندان‌ها از حقوق بر حق و عادلانه خود و هم‌طبقه‌ای‌هایش نوشته بودم.

تا آن‌جا که مسقیما به جنبش کارگری ایران مربوط است این جنبش و فعالین آن در دهه‌های اخیر، از هر فرصتی برای بیان خواسته‌هایشان استفاده کرده‌اند و بهای آن را نیز آگاهانه با شلاق‌خوردن، زندان‌شدن و اخراج از کار و... پرداخته‌اند.

بعد از رشد اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۴، نسبت به سال ۱۳۹۳، شاهد یک جهش بزرگ در اعتراضات کارگری هستیم. در این سال «کارگران در ۶۵۹ مرکز تولیدی و خدماتی دست به اعتراض زدند. این رقم نسبت به سال ۹۴ افزایشی ۲۷ درصدی داشته است. همچنین با توجه به تکرار اعتراضات در بعضی مراکز تولیدی و خدماتی «طی سال ۹۴، ۱۲۶۴ مورد اعتراض کارگری، یعنی به طور متوسط هر روز بیش از ۳ اعتراض کارگری به وقوع پیوسته است. تحلیل آماری اعتراضات کارگری در گزارش‌های مختلف، نشان می‌دهد:

«کارخانه‌ها و موسسات با تعداد کارگر حداکثر تا ۱۰۰ نفر ۴۹ درصد از کل حرکات و اعتراضات، موسسات تا حداکثر ۱۰۰۰ کارگر ۳۸ درصد از کل حرکات و اعتراضات و موسسات تا ۱۰۰۰۰ کارگر ۱۱ درصد از کل اعتراضات، اعتصابات و تظاهرات را داشته‌اند.» ۲۴ درصد اعتراضات به شکل اعتراضات قانونی، ۶۳ درصد اعتراضات به شکل تجمع و تحصن و ۱۱ درصد اعتراضات نیروهای کار ایران به شکل اعتصاب بوده است. سال ۱۳۹۶، برای کارگران ایران سال پرحادثه‌ای بود. اعتراضات کارگری از دوم فروردین شروع شد و در دی‌ماه به اوج خود رسید. این اعتراضات با وجود تهدیدها و سرکوب‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفت و به چالشی جدی برای حکومت تبدیل شد.

اعتراضات کارگری به دلیل فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی، بازتاب وسیعی در فضای مجازی داشتند و توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را به وضعیت کارگران جلب کردند.

اعتراض کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، تجمع کارگران و پیمانکاران راه آهن دورود، اعتصاب کارگران کارخانه سیمان کارون، اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، اعتراض کارگران آذراب اراک، اعتراض معلمان، اعتراض بازنشستگان و...

با فیلم‌های کوتاهی که کارگران در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند، مطالبات روشن و ساده آن‌ها، یعنی دریافت دستمزد در ازای کار به موضوعی فراتر از یک خبر برای جامعه ایران تبدیل شد.

پس از خیزش عظیم دی ماه ۱۳۹۶، در دوره زمانی اول بهمن ۱۳۹۶ تا ۳۱ فروردین ۱۳۹۷، حدود ۶۸۸ حرکت اعتراضی صورت گرفته است، یعنی به‌طور میانگین ۲۲۹ حرکت اعتراضی در هر ماه و ۷/۶ حرکت اعتراضی در هر روز. استان تهران با ۱۳۸ مورد، در رتبه اول و استان خوزستان با ۱۳۳ مورد در رتبه دوم معترض‌ترین استان‌ها قرار دارند. استان اصفهان با ۴۵ مورد در رتبه سوم قرار دارد. در قیاس با این سه استان، حرکت‌های اعتراضی در

دیگر استان‌های ایران از نظر کمی فاصله چشمگیری داشتند. استان‌های خراسان جنوبی و خراسان شمالی که از جمله استان‌های محروم ایران محسوب می‌شوند، هر دو با تنها یک حرکت اعتراضی خاموش‌ترین استان‌ها بود. در سال جاری نیز اعتراض‌ها ادامه یافته و اکنون نیز به‌ویژه اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و... با قدرت در جریان است.

بنابراین، خواسته‌های اقتصادی و معیشتی کارگران به‌راحتی قابل رویت هستند. همچنین تجارب تکنونی است که بدون تضمین‌های سیاسی و تلاش برای تثبیت تغییرات از طریق تغییر نشان داده است که قوانین و ساختارها و امتیازات اقتصادی خیلی زود پس‌گرفته می‌شوند. فهم این نکته که مبارزه صنفی مهم است اما در عین حال نمی‌تواند از مبارزات سیاسی و اجتماعی جدا باشد این نتیجه حاصل می‌شود که بدون تشکل‌های بزرگ کارگری و فعالیت جمعی اکثریت نیروی کار ایران به‌مثابه یک طبقه، امکانی برای مبارزه سیاسی کارگران و محرومان جامعه وجود ندارد.

نه تعطیلی بازار جهانی، نه سیاست‌گذاری دولت در زمینه ارز و نه تغییر رییس بانک مرکزی، هیچ‌کدام در توقف افزایش قیمت دلار آمریکا در برابر پول ملی ایران موثر نبوده است. هر دلار آمریکا در بازار آزاد از ۱۰ تا بیش از ۱۱ هزار تومان و بیش‌تر معامله می‌شود.

پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران (برجام) بازار ارز و سکه دچار تلاطم شده و از حدود ۳۸۰۰ تومان در شهریور ۱۳۹۶ به رقمی بیش از ۱۱ هزار تومان رسیده است. مقام‌های حکومت اسلامی شرایط کنونی را وضعیت جنگ اقتصادی اعلام کرده‌اند.

در چنین وضعیتی سؤال این است کارگرانی که دستمزد پایه آن‌ها در سال ۱۳۹۶ معادل ۹۲۹ هزار و ۹۳۱ تومان بود، در سال ۱۳۹۷ به میزان ۱۹/۵ درصد افزایش یافت و به یک میلیون و ۱۱۱ هزار و ۲۶۷ تومان رسید. اکنون که ارزش پولی ایران بیش از ۵۰ درصد تنزل یافته و تقریباً به‌همان میزان نیز گرانی و تورم بیش‌تر شده است آیا کارگران با این حقوق ناچیز، چند روز در ماه می‌توانند زندگی خود را تامین کنند؟!

این‌جاست که فعالان کارگری ایران، مورد پرسش قرار می‌گیرند که در شرایط موجود جامعه ایران دچار بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک حادث شده است چه باید کرد؟

این چه باید کرد را با رفیق محمود صالحی، صاحب‌نظر در جنبش کارگری ایران، در میان گذاشته‌ام.



بهرام رحمانی: محمود گرامی اگر موافقت با این مقدمه، اولین سؤال را چنین طرح کنم که نظر و تحلیل شما در رابطه با شرایط کنونی جامعه ایران چیست؟

محمود صالحی: جامعه ایران آستان تحولات مختلف است. هر ناظری که به اخبار و گزارشات و اعتراضات روزمره مردم کوچه و خیابان توجه کند، به این نتیجه خواهند رسید که جامعه ما آستان یک تحولات تاریخی است. کارگران به اضافه لایه‌های محروم جامعه از بیکاری، تورم، بی‌احترامی از سوی مسئولان؛ دروغ‌های روزمره مسئولان، حقوق‌های نجومی مسئولان رده‌بالای حکومت و ... ناامید شده‌اند. اگر زمانی تعدادی از مردم به دنبال آن و یا آن جناح دیگر حاکمیت بود، امروز دیگر حنای همه جناح‌های مختلف آن رنگ باخته و دیگر نمی‌توانند مردم را به‌طرف خود بکشانند. با توجه به وضعیت موجود و افزایش تورم و گرانی سرسام‌آور و عدم مهار آن از سوی حاکمان؛ هر روز اعتراضات مردم محروم در جامعه بیش‌تر و گسترده‌تر می‌شود. مردم دیگر از دیو خوفناک وزارت اطلاعات و نهادهای امنیتی ترسی ندارند. یعنی دیگر آن زمان سپری شده که مردم با مشاهده یک مامور امنیتی سکوت کنند و صحبت‌های خود را قطع کند.

بهرام رحمانی: چرا فعالان کارگری، با وجود تمام جانفشانی‌ها و مبارزات‌شان، هنوز نتوانسته‌اند ارتباط موثر و پیگیر بین کارگران نواحی و شهرهای مختلف ایران با هدف سازمان‌دهی اعتراض و اعتصاب مشترک، برقرار کنند؟

محمود صالحی: فعالان کارگری و دلسوزان طبقه کارگر به هر شکل ممکن سعی کرده‌اند تا بین کارگران و فعالان کارگری ارتباط و همبستگی به‌وجود بیاورند. حمله نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به صفوف کارگران و دستگیری رهبران آن طبقه این حقیقت را به ما می‌گوید که جنبش کارگری در ایران یک جنبش زنده و مبارز است. مبارزات و جان‌فشانی کارگران در چند سال گذشته حتی از دید دشمنان طبقه کارگر نیز پنهان نمانده است. اگر مبارزات آنلاین و مداوم کارگران نبود امروز ما شاهد دستگیری و زندانی کارگران و فعالان کارگری در ابعاد وسیع بودیم. اما اگر طبقه کارگر نتوانسته ارتباطی که ما از آن انتظار داریم در میان کارگران بخش‌ها و شهرهای دیگر برقرار نکرده، به دلیل عدم آگاهی نیست. ما هم به این امر واقفیم که باید میان کارگران در نواحی و شهرهای مختلف ارتباط موثر و حقیقی برقرار شود. اما اگر ما پای‌مان را بر زمین سفت بگذاریم مشاهده خواهیم کرد که تنها مسئله امنیتی در این زمان معین نیست، بلکه مشکلات متعددی وجود دارد که هر کدام از این مشکلات سد و مانعی در مقابل مبارزات کارگران و دلسوزان طبقه کارگر ایجاد کرده است. طبقه کارگر و دلسوزان این طبقه، هیچ کدامشان مبارزان حرفه‌ای نیستند تا تمام زندگی خود را به امر مبارزه اختصاص دهند. چرا که این موقعیت و زیست و زندگی در شرایط موجود ایران، به‌معنای واقعی آن‌ها نمی‌دهد. کارگران و فعالان کارگری قبل از این‌که بخشی از زندگی و کار خود را در اختیار مبارزه قرار دهند، اجباراً باید کار کنند و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی خود و خانواده‌شان را تأمین کنند.

آن روزها گذشته که یک خانواده با چند قاضی بتواند زندگی کند و یا مسافرت کنند دیگر در جامعه ما سپری شده است. کارگران در بهترین‌ترین حالت، اگر مشغول کار باشند و کارفرما حقوق آنان را سر هر ماه پرداخت کند، باز هم نمی‌توانند با آن حقوق، زندگی کنند چه برسد به مسافرت بروند. یعنی هزینه‌ها درآمدها آن‌قدر بالا و دستمردا آن‌قدر پایین و ناچیز است که حتی مسافرت یک روزه، به رویا و آرزوی خانواده‌های کارگری تبدیل شده است.

فراموش نکنیم که انتخاب مسئولان نالایق و اپورتونیست در سطح رهبری تشکلهای موجود کارگری و عدم برگزاری مجامع عمومی در زمان معین و به وقت، موانع و معضلاتی هستند که جنبش کارگری از آن رنج می‌برد. متسفانه این

وضعیت، عملاً فعالیت‌ها را مختل کرده است. اما با توجه به این وضعیت؛ باز هم جنبش کارگری در وضعیتی قرار دارد که همیشه پیشرو جنبش‌های دیگر در جامعه ما بوده و هست.

بهرام رحمانی: از آن‌جا که سیستم فعلی حاکم بر جهان سرمایه‌داری است و حکومت اسلامی ایار ننیز از این قاعده استنا نیستند، فعالان کارگری در جدال بین کار و سرمایه، چگونه می‌توانند مناسبات موجود را به‌ضرر سرمایه‌داران و به‌نفع فروشنندگان نیروی کار و استثمارشدگان تغییر دهند؟

محمود صالحی: طبقه کارگر در طول حیات خود جهت منافع خود و تحمیل خواست‌ها و مطالباتش، همواره با نظام سرمایه‌داری در حال مبارزه بوده و هست. فعالان کارگری و دل‌سوزان طبقه کارگر، باید در هر شرایطی با عزم و اراده قوی علیه مناسبات سرمایه‌داری مبارزه کنند و باید آموزش‌های و تجربه طبقاتی را سرلوحه کار و فعالیت روزانه خود قرار دهند. باید به طبقه کارگر گفت که نظام سرمایه‌داری، یعنی نظام استثمار انسان توسط انسان، تنها با مبارزه پیگیر خود طبقه کارگر از بین خواهد رفت.

بی‌گمان بدون مبارزه پیگیر مبارزه طبقاتی، هیچ تغییری در مناسبات سرمایه‌داری ایجاد نخواهد شد، حتی تغییر ساعت کار و افزایش دستمزد. بنابراین طبقه کارگر با مبارزه مداوم و پیگیر خود می‌تواند خواست‌ها و مطالبات خود را به سرمایه‌داران، کارفرمایان و حامیان‌شان تحمیل کنند.

بهرام رحمانی: بحث تأسیس تشکل‌های مستقل، بحث جدید نیست و تاکنون نیز تشکل‌های مستقل بی‌شماری تشکیل شده‌اند و سپس به‌دلیل گرایشات سکتارستی و یا دخالت از خارج، دچار بحران و انشعاب شده‌اند. اما سؤال این است که اکنون برخی فعالین و تشکل‌های کارگری بر تأسیس شوراهای مستقل کارگری اصرار می‌ورزند. چرا؟

محمود صالحی: مسلماً بحث تأسیس تشکل کارگری نه مربوط به امروز است و نه مربوط به اشخاص و جریان خاصی است. طبقه کارگر جهان از بدو شکل‌گیری خود، جهت دفاع از منافع خود به‌تشکل و اتحاد نیاز داشته و این نیاز هم چیزی نیست که با گذشت زمان کمرنگ شود. با افزایش استثمار بیشتر از سوی کارفرما و سرمایه‌داران، نیاز طبقه کارگر به تأسیس تشکل کارگری به یک امر روز تبدیل شده است. از سوی دیگر، نظام سرمایه‌داری و حامیان آنان از تشکل‌های کارگری و اتحاد کارگران وحشت دارند و به‌همین مناسبت سعی دارند به‌اشکال مختلف نگذارند که تشکل‌های کارگری شکل بگیرد. نظام سرمایه‌داری حاکم سعی بر آن دارند که تشکل‌های زرد و گوش به فرمان خود را تأسیس کنند. بی‌تردید طبقه کارگر نیز مبارزه خواهد کرد تا تشکل‌های خودساخته و بدون حضور حاکمان و کارفرمایان تأسیس کنند و مطرح کردن تشکیل شوراهای کارگری نیز در این راستا است. با توجه به این اصل، جنگ میان آن دو طبقه، جنگی نیست که امروز به‌وجود آمده و یا توسط نسل ما ابداع شده باشد. چرا که تاریخاً نظام سرمایه‌داری و حامیان آن، هیچ فرصتی را برای سرکوب طبقه کارگر از دست نمی‌دهند. آن‌ها، به ترفندهای مختلف از جمله انشقاق و انشعاب و شایعه‌پراکنی علیه فعالان و پیشروان جنبش کارگری متوسل می‌شوند. در این میان، انگار کسانی نیز احیر شده‌اند تا خود را با سیستم سرمایه‌دار تداعی کنند. بنابراین، حرکات و جهت‌گیری‌های آنان در راستای منافع طبقه سرمایه‌دار و کارفرما و دولت حامی آنان است؛ حال فرقی ندارند این افراد در خارج از کشور و یا داخل کشور باشند. بی‌تردید طبقه کارگر و دل‌سوزان این طبقه، باید این افراد و جریان‌ات را از صفوف خود برانند و ماهیت آنان را برای طبقه کارگر آشکار کنند.

بهرام رحمانی: از نظر شما شوراهای مستقل کارگری، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟

محمود صالحی: شوراهای کارگری باید متکی به خرد جمعی و بر اساس تصمیمات جمعی حرکت کنند. در غیر این صورت نمی‌توانیم اسم شورا را روی آن بگذاریم. «شورا» در حقیقت، باید نماینده منافع پرولتاریا باشد. شورا برای کسب قدرت و اقتدار سیاسی خود مبارزه می‌کند و هدف اصلی او انقلاب کارگری است.

بهرام رحمانی: آیا شورا باید صرفاً نقش خدمات‌دهی داشته باشد یا باید تغییر نظم موجود و برجسته شدن مناسبات سرمایه‌داری مدنظر نهایی‌اش باشد؟

محمود صالحی: وظیفه شورا تنها مختص به دست آوردن خدمات برای اعضای خود نیست. شورا برای به دست آوردن قدرت اجتماعی نیز مبارزه می‌کند. اما وظیفه اصلی شوراها، همچنان که در سؤال قبل جواب دادم برای کسب قدرت و اقتدار سیاسی و هدف اصلی او انقلاب کارگری است.

بهرام رحمانی: رفیق محمود گرامی، اکنون این سؤال مطرح است که شما با توجه به بحران‌های کنونی و فزاینده جامعه ایران در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک، توصیه‌تان به فعالین کارگری و تشکلهای موجود کارگری چیست؟ در شرایط کنونی، آن‌ها باید به چه مسایلی اولویت دهند؟

محمود صالحی: با توجه به وضعیت معیشتی مردم، کشور ما آستان تحولات است. به همین دلیل، احزاب و یا جریان‌هایی که در گذشته حتی از دادن یک بیانیه عاجز بودند، امروز خود را آماده کرده‌اند تا بر موج اعتراضات مردم سوار شوند و خود را به اذهان عمومی، انقلابی و طرفدار محرومان و طبقه کارگر معرفی کنند. از این‌رو، ضرورت دارد که فعالین جنبش کارگری، صف خود را با این جریانات جدا کنند. در عین حال شکی نیست که نقش فعالین کارگری و تشکلهای و کمیته‌های موجود که در چند سال گذشته و در شرایط سرکوب‌های شدید به وجود آمده‌اند صد چندان خواهد شد پس این فعالین و تشکلهای مستقل کارگری، نباید بگذارند که هر جریان ضدانسانی و ضدکارگری سم مهملک خود را به جنبش کارگری تزریق کنند و خود را طرفدار مردم محروم جامعه و طبقه کارگر نشان دهند. فعالان کارگری، باید با تمام نیروی موجود خود، باید جریانات ضدکارگری و ضدانسانی که این روزهای سرنوشت‌ساز سخت به سازمان‌دهی خود مشغول هستند، افشا کرد و نگذاشت یکبار سیاست اپورتونیستی و فرصت‌طلبی بر تحولات پیش روی طبقه کارگر ایران، موج سواری کنند.

بهرام رحمانی: سؤال مهم دیگر در شرایط کنونی و بحران شدید اقتصادی و گرانی و تورم فزاینده و همچنین سقوط ارزش پول ملی ایران در برابر دلار، بی‌تردید خانواده‌های کارگری بیش از پیش دچار پریشانی شده‌اند. به نظر شما، خانواده‌های کارگری با یک میلیون تومان دستمزد در ماه، چگونه زندگی خود را تامین می‌کنند؟ حتی این دستمزدهای بخور و نمیز نیز به موقع پرداخت نمی‌گردد و کارگران مجبورند با تحمل اعتراض و اعتصاب و زندان و اخراج آن را به زور از حلقوم سرمایه‌داران دولتی و غیردولتی بیرون بکشند و اغلب نیز موفق نمی‌گردند. آن‌هم در شرایطی که این دستمزد، تنها شامل کارگران رسمی می‌شود و میلیون‌ها کارگر پیمانی و موقت دستمزدهایی بسیار کمتر از این مبلغ دارند.

محمود صالحی: به‌نظر من نقش فعالان کارگری و تشکل‌ها این است که طبقه کارگر و محرومان جامعه را با حق و حقوق خود آشنا کنند. این مسئله درست است که حتی کارگران شاغل، از تامین نیازهای روزانه خود عاجز هستند تا چه برسد به کارگران بیکار و یا خانواده‌هایی که نان‌آور ندارند.

ما کارگران در این شرایط بحرانی، اجباراً بخشی از کالاهای مورد نیاز خودمان را از فهرست مصرف روزانه زندگی خود، خارج کرده‌ایم. برای نمونه، خانواده ما که در ماه مبلغ یک میلیون و صد هزار تومان حقوق از کارافتادگی دریافت می‌کنیم و در منزل پدری زندگی می‌کنیم کرایه اجاره نیز پرداخت نمی‌کنیم؛ گوشت، تنقلات، رب گوجه‌فرنگی و... را از فهرست غذای خود حذف کرده‌ایم. حقیقتاً زندگی برای کارگران، زنان و کارگران بیکار در این شرایط، فوق‌العاده سخت و طاقت‌فرسا است. دستمزدهای پایین و پرداخت به معوقه این دستمزدهای ناچیز، مشکلات مالی خانواده‌های کارگری را مختل کرده است. با توجه به توضیحاتی که دادم اکنون اکثریت مردم ایران، در حد زندگی و درآمد کارگری زندگی می‌کنند اغراق نگفته‌ام. پس نتیجه خواهیم گرفت که کارگران برای پایان دادن به این وضعیت فلاکت‌بار موجود، هیچ راهی جز مبارزه برای تغییر وضع موجود کمرشکن ندارند. چرا که ما کارگران، تنها با مبارزه پیگیر خود می‌توانیم مطالباتمان را بگیریم و وضع موجود را به نفع خود و اکثریت شهروندان جامعه‌مان تغییر دهیم. اما اگر سکوت کنیم حتی هر آن چیزی که الان داریم؛ از دست خواهیم داد.

بهرام رحمانی: محمود گرامی از این که با وجود مشله‌های زیاد و مشکلات جسمی، برای این گفتگو وقت گذاشتید ممنونم. من سئوالی دیگری ندارم اما اگر شما در پایان تأکیدی به موضوعی دارید بفرمایید.

محمود صالحی: ممنون از این که این وقت را در اختیار من قرار دادید.

چهارشنبه بیست و چهارم بهمن [دلو] ۱۳۹۷ - سیزدهم فروری ۲۰۱۹

ادامه دارد